



بریکس پلاس یازده عضو و باز آرای اقتصاد سیاسی جهانی: تحلیل شبکه مکمل ظرفیت‌ها و جایگاه ایران

زینب خلیلی^۱، حبیب اله ابوالحسن شیرازی^۲

۳۷

دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۷
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۵/۲۸

صص: ۲۴۷-۲۶۵

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



گسترش بریکس از پنج عضو اولیه به یازده عضو، یکی از تحولات مهم اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دهه اخیر است. این تحول صرفاً افزایش تعداد اعضای یک سازوکار همکاری بین‌دولتی نیست، بلکه ترکیب جدیدی از منابع انرژی، بازارهای مصرف، ظرفیت‌های تولیدی، مسیرهای ترانزیتی، منابع طبیعی و امکانات مالی را در یک شبکه گسترده گرد هم آورده است. بریکس یازده‌عضوی شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، ایران، مصر، اتیوپی، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اندونزی است و از وزن قابل توجهی در جمعیت، تولید، تجارت و انرژی جهان برخوردار است. پژوهش حاضر با روش توصیفی — تحلیلی و با استفاده از منابع فارسی و انگلیسی، اسناد رسمی بریکس و داده‌های نهادهای بین‌المللی، به این پرسش می‌پردازد که بریکس پلاس چگونه از طریق ترکیب و مکمل سازی ظرفیت‌های اعضای خود می‌تواند در بازآرایی اقتصاد سیاسی جهانی نقش آفرینی کند و جایگاه ایران در این شبکه چیست. یافته‌ها نشان می‌دهد که قدرت بالقوه بریکس را نمی‌توان صرفاً بر اساس مجموع تولید ناخالص داخلی اعضا تبیین کرد، بلکه مزیت اصلی آن در اتصال ظرفیت‌های متفاوت و مکمل در حوزه‌های تولید، بازار، انرژی، سرمایه، فناوری، منابع طبیعی و ترانزیت قرار دارد. چین و هند در تولید، بازار و فناوری، روسیه، ایران، عربستان سعودی و امارات در انرژی، برزیل در کشاورزی و منابع طبیعی و ایران، مصر و امارات در ترانزیت و لجستیک دارای ظرفیت‌های متمایزند. با این حال، ناهمگونی اقتصادی، تفاوت منافع ملی، رقابت چین و هند و ضعف نهادی، مانع شکل‌گیری یک بلوک اقتصادی یکپارچه است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد بریکس پلاس در آینده بیشتر به سوی شبکه‌ای چندمرکزی از همکاری‌های اقتصادی و سیاسی حرکت خواهد کرد و ایران می‌تواند از آن برای تنوع‌بخشی به بازارها، مسیرهای تجاری، همکاری‌های انرژی، سازوکارهای پرداخت و سرمایه‌گذاری و در نهایت افزایش تاب‌آوری اقتصادی بهره‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: بریکس پلاس، اقتصاد سیاسی جهانی، بازآرایی نظم جهانی، شبکه مکمل ظرفیت‌ها، ایران، تاب‌آوری اقتصادی.

۱. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. مقدمه

ساختار اقتصاد سیاسی جهانی در دهه‌های اخیر با تغییرات قابل توجهی مواجه شده است. انتقال تدریجی بخشی از ظرفیت تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی به اقتصادهای نوظهور، افزایش وزن کشورهای آسیایی در اقتصاد جهانی، رشد اهمیت منابع انرژی و مواد معدنی و گسترش همکاری‌های جنوب — جنوب، از جمله نشانه‌های این تحول است. در چنین شرایطی، مسئله اصلی دیگر صرفاً توزیع قدرت میان دولت‌های بزرگ نیست، بلکه چگونگی سازمان‌یافتن قدرت‌های نوظهور و تبدیل ظرفیت‌های اقتصادی آنها به قدرت جمعی در نظام بین‌الملل است.

ظهور بریکس را باید در همین زمینه تحلیل کرد. اصطلاح BRIC نخستین بار در سال ۲۰۰۱ برای اشاره به برزیل، روسیه، هند و چین مطرح شد و پس از آغاز هماهنگی سیاسی میان این کشورها، نخستین اجلاس سران در سال ۲۰۰۹ برگزار شد. پیوستن آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۱ موجب شکل‌گیری BRICS شد. در مرحله بعد، تصمیم اجلاس ژوهانسبورگ در سال ۲۰۲۳ مسیر گسترش گروه را هموار کرد و در سال ۲۰۲۴ مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به اعضای کامل پیوستند. اندونزی نیز در ژانویه ۲۰۲۵ به عضویت کامل درآمد. بنابراین، بریکس اکنون دارای یازده عضو کامل است.

اهمیت این تحول در تعداد اعضا خلاصه نمی‌شود. گسترش بریکس باعث شده است این گروه از مجموعه‌ای متشکل از چند قدرت بزرگ نوظهور به شبکه‌ای تبدیل شود که در آن قدرت تولیدی، بازار مصرف، انرژی، سرمایه، مواد معدنی، کشاورزی، فناوری و موقعیت‌های ژئوپلیتیکی به یکدیگر متصل شده‌اند.

بر اساس داده‌های رسمی بریکس، این گروه در حال حاضر حدود ۴۸٫۵ درصد جمعیت جهان و ۳۹ درصد اقتصاد جهان بر مبنای برابری قدرت خرید را در اختیار دارد و حدود ۲۴ درصد تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد. افزون بر آن، حدود ۴۳٫۶ درصد تولید نفت، ۳۶ درصد تولید گاز طبیعی و ۷۸٫۲ درصد تولید زغال‌سنگ جهان در کشورهای عضو بریکس انجام می‌شود.

این ارقام در عین حال نباید به صورت خودکار به معنای شکل‌گیری یک بلوک اقتصادی یکپارچه تفسیر شوند. بریکس فاقد معاهده تأسیسی، بودجه مستقل و دبیرخانه دائمی است و خود را یک

سازمان بین‌المللی نمی‌داند؛ بلکه سازوکاری برای هماهنگی و همکاری میان کشورهای جنوب جهانی است که ریاست آن به صورت دوره‌ای میان اعضا گردش می‌کند.

از این رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا گسترش بریکس توانسته است ظرفیت‌های ملی اعضا را به یک شبکه مکمل اقتصادی تبدیل کند و این فرآیند چه پیامدهایی برای اقتصاد سیاسی جهانی و به طور خاص جمهوری اسلامی ایران دارد.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود که بریکس یازده عضو چگونه از طریق مکمل سازی ظرفیت‌های اعضای خود می‌تواند در بازآرایی اقتصاد سیاسی جهانی نقش ایفا کند و این تحول چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای ایران ایجاد می‌کند؟

فرض تحلیلی پژوهش آن است که قدرت بریکس بیش از آنکه حاصل همگونی اقتصادی اعضا باشد، از امکان اتصال ظرفیت‌های متفاوت آنها ناشی می‌شود؛ با این حال، ناهمگونی منافع و ضعف نهادی، تبدیل این ظرفیت بالقوه به یکپارچگی اقتصادی را محدود می‌کند.

اهمیت پژوهش نیز از همین نقطه ناشی می‌شود. بخش مهمی از ادبیات موجود بریکس را از منظر قدرت‌های نوظهور، چندقطبی شدن نظام بین‌الملل یا ظرفیت اقتصادی اعضا مطالعه کرده است؛ اما کمتر به این پرسش پرداخته شده که چگونه تفاوت ظرفیت‌های یازده عضو می‌تواند به مکمل سازی اقتصادی منجر شود. در این مقاله، این رابطه با مفهوم «شبکه مکمل ظرفیت‌ها» تحلیل می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش و چارچوب مفهومی

ادبیات مربوط به بریکس را می‌توان در سه رویکرد عمده دسته‌بندی کرد. رویکرد نخست، بریکس را از منظر تغییر توزیع قدرت در نظام بین‌الملل بررسی می‌کند. در این رویکرد، ظهور بریکس بخشی از روند افزایش نقش قدرت‌های نوظهور و حرکت تدریجی نظام جهانی به سمت چندمرکزیت تلقی می‌شود. (Hurrell, 2006; Acharya, 2014)

هورل (۲۰۰۶) ظهور قدرت‌های جدید را در چارچوب تغییر ساختار نظم جهانی و افزایش مطالبه کشورهای غیرغربی برای مشارکت بیشتر در حکمرانی جهانی تحلیل می‌کند.

(آجاریا، ۲۰۱۴) نیز با طرح مفهوم «پایان نظم جهانی آمریکایی» استدلال می‌کند که افزایش قدرت بازیگران جدید الزاماً به معنای جایگزینی فوری نظم موجود نیست، بلکه می‌تواند به شکل‌گیری نظم پیچیده‌تر و چندمرکزی منجر شود.

رویکرد دوم، بریکس را از منظر اقتصاد سیاسی و حکمرانی جهانی بررسی می‌کند. بر اساس این دیدگاه، اهمیت بریکس در تلاش اعضا برای افزایش نقش خود در نهادهای اقتصادی بین‌المللی، اصلاح ساختارهای حکمرانی جهانی و تقویت همکاری جنوب — جنوب است (Armijo & Roberts, 2014; Narlikar, 2010).

رویکرد سوم بر ظرفیت‌های اقتصادی و آثار عضویت کشورهای جدید متمرکز است. در این زمینه، پژوهش‌های فارسی نیز به تدریج از تحلیل‌های صرفاً سیاسی فاصله گرفته‌اند. مرزبانی و پلونده (۱۳۹۹) ظرفیت‌های بریکس برای ایران را بررسی کرده‌اند و سیاره و همکاران (۱۴۰۵) با بهره‌گیری از مدل شبیه‌سازی جهانی، آثار تجاری عضویت ایران را در سطح کالاهای مختلف ارزیابی کرده‌اند. نتایج پژوهش اخیر نشان می‌دهد که مشارکت فعال ایران در بریکس می‌تواند به تغییر مسیر تجارت از شرکای محدود به بازارهای متنوع‌تر منجر شود و از این طریق تاب‌آوری اقتصادی را افزایش دهد. با وجود این، خلأ پژوهشی مهمی همچنان وجود دارد. بیشتر مطالعات، ظرفیت اعضای بریکس را به صورت جمع‌جبری قدرت‌های اقتصادی بررسی کرده‌اند؛ درحالی‌که مسئله مهم‌تر آن است که آیا این ظرفیت‌های متفاوت می‌توانند به یکدیگر متصل شوند یا خیر.

در این پژوهش، برای پاسخ به این خلأ از مفهوم «شبکه مکمل ظرفیت‌ها» استفاده می‌شود. منظور از این مفهوم وضعیتی است که در آن مزیت‌های متفاوت اعضا در حوزه‌هایی مانند انرژی، بازار، تولید، سرمایه، فناوری، منابع طبیعی و ترانزیت، قابلیت اتصال و ایجاد ارزش متقابل پیدا می‌کنند.

بنابراین، رابطه تحلیلی پژوهش را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد:

تنوع ظرفیت‌های ملی ← مکمل‌سازی اقتصادی ← همکاری موضوعی ← افزایش قدرت چانه‌زنی ← بازآرایی اقتصاد سیاسی جهانی

این رویکرد با ادبیات مربوط به نظم چندمرکزی و افزایش نقش قدرت‌های نوظهور نیز سازگار است؛ زیرا چندمرکزی شدن الزاماً به معنای ایجاد یک بلوک منسجم نیست، بلکه می‌تواند حاصل افزایش تعداد مراکز قدرت و شبکه‌های همکاری میان آنها باشد. (Acharya, 2014; Stuenkel, 2016)

۳. شبکه مکمل ظرفیت‌ها در بریکس یازده‌عضوی

بریکس یازده‌عضوی شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، ایران، مصر، اتیوپی، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اندونزی است. گسترش بریکس در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، علاوه بر افزایش وزن جمعیتی و اقتصادی این سازوکار، دامنه منابع انرژی، ظرفیت‌های تولیدی، بازارهای مصرف، منابع طبیعی، زیرساخت‌های مالی و مسیرهای ترانزیتی آن را نیز گسترش داده است (BRICS, 2024; BRICS, 2025). اهمیت این ترکیب را باید نه صرفاً در اندازه اقتصادهای عضو، بلکه در تفاوت و قابلیت مکمل‌سازی ظرفیت‌های آنان جست‌وجو کرد. از این منظر، بریکس مجموعه‌ای از اقتصادهای همگون نیست، بلکه شبکه‌ای از ظرفیت‌های متفاوت است که در صورت ایجاد سازوکارهای مناسب می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند.

۳-۱. برزیل

برزیل بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای لاتین و یکی از مهم‌ترین اعضای بریکس در حوزه کشاورزی، منابع طبیعی و بازار مصرف است. برخورداری از اراضی گسترده کشاورزی، منابع آب، ذخایر معدنی و ظرفیت بالای تولید و صادرات محصولات کشاورزی، این کشور را به یکی از بازیگران مهم امنیت غذایی جهان تبدیل کرده است. برزیل همچنین دارای ظرفیت قابل توجه در تولید نفت و انرژی‌های تجدیدپذیر است و از این طریق می‌تواند در شبکه انرژی بریکس نیز نقش ایفا کند (World Bank, 2025; IEA, 2024). لاتین را می‌دهد و موجب می‌شود این کشور به یکی از حلقه‌های اصلی اتصال بریکس به بازارهای آمریکای جنوبی تبدیل شود.

از منظر مفهوم «شبکه مکمل ظرفیت‌ها»، اهمیت برزیل در بریکس عمدتاً در پیوند کشاورزی، امنیت غذایی، منابع طبیعی و انرژی با بازارهای بزرگ چین و هند قرار دارد. چین یکی از مهم‌ترین مقاصد صادراتی برزیل است و این پیوند تجاری می‌تواند نمونه‌ای از مکمل‌سازی میان تولیدکننده بزرگ منابع و

محصولات کشاورزی و اقتصادهای بزرگ مصرف‌کننده باشد. بنابراین، برزیل در شبکه بریکس صرفاً یک اقتصاد بزرگ نیست، بلکه می‌تواند نقش تأمین‌کننده مواد غذایی و مواد خام و در عین حال بازار مهم محصولات صنعتی سایر اعضا را ایفا کند. (BRICS, 2024; World Bank, 2025)

۲-۳. روسیه

روسیه از مهم‌ترین اعضای بریکس در حوزه انرژی، منابع طبیعی، صنایع سنگین و توانمندی‌های فناورانه است. این کشور از تولیدکنندگان بزرگ نفت و گاز جهان محسوب می‌شود و ذخایر گسترده انرژی، مواد معدنی و منابع طبیعی آن، جایگاه روسیه را در شبکه اقتصادی بریکس تقویت کرده است. (IEA, 2025; Energy Institute, 2025) افزون بر انرژی، روسیه در حوزه‌های هسته‌ای، فضایی، صنایع دفاعی، فلزات و برخی فناوری‌های پیشرفته نیز ظرفیت‌های قابل توجهی دارد. در چارچوب شبکه مکمل ظرفیت‌ها، روسیه می‌تواند ظرفیت انرژی و مواد خام خود را با بازارهای بزرگ چین و هند و ظرفیت‌های ترانزیتی ایران پیوند دهد. توسعه مسیرهای حمل‌ونقل اوراسیا و کریدور شمال — جنوب می‌تواند اهمیت ایران را در این شبکه افزایش دهد و امکان اتصال روسیه به بازارهای جنوب آسیا و خلیج فارس را تقویت کند. بنابراین، نقش روسیه در بریکس تنها به عرضه انرژی محدود نمی‌شود، بلکه این کشور می‌تواند یکی از محورهای پیوند انرژی — ترانزیت — تجارت اوراسیا باشد. (BRICS, 2024; Stuenkel, 2016)

۳-۳. هند

هند یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان و یکی از مهم‌ترین اعضای بریکس از نظر جمعیت، بازار مصرف، خدمات، فناوری اطلاعات و ظرفیت نیروی انسانی است. اقتصاد هند در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و توسعه بخش خدمات، فناوری اطلاعات، صنایع دارویی، تولید و زیر ساخت، جایگاه آن را در اقتصاد جهانی ارتقا داده است. (World Bank, 2025; IMF, 2025) بازار بزرگ داخلی هند نیز یکی از مهم‌ترین مزیت‌های این کشور محسوب می‌شود و آن را به مقصدی مهم برای انرژی، مواد خام و کالاهای صنعتی تبدیل کرده است. اهمیت هند در شبکه مکمل ظرفیت‌های بریکس زمانی بیشتر آشکار می‌شود که آن را در ارتباط با روسیه، ایران، چین و کشورهای خلیج فارس بررسی کنیم. هند به انرژی و مواد خام نیاز دارد و

همزمان دارای ظرفیت صنعتی، فناوریانه و بازار مصرف گسترده است. موقعیت ایران نیز می‌تواند امکان دسترسی هند به آسیای مرکزی، روسیه و اروپا را از مسیرهای زمینی و دریایی فراهم کند. در نتیجه، هند می‌تواند یکی از حلقه‌های اصلی اتصال بازار — فناوری — انرژی — ترانزیت در بریکس باشد (BRICS, 2025; Ministry of External Affairs of India, 2026).

۴-۳. چین

چین مهم‌ترین قدرت صنعتی و تجاری بریکس و یکی از اصلی‌ترین موتورهای تولید، صادرات، سرمایه‌گذاری و فناوری در این مجموعه است. ظرفیت تولید صنعتی گسترده، زنجیره‌های تأمین توسعه‌یافته، بازار داخلی بزرگ، زیرساخت‌های پیشرفته و توانایی سرمایه‌گذاری خارجی، چین را به مهم‌ترین مرکز اقتصادی شبکه بریکس تبدیل کرده است (World Bank, 2025; IMF, 2025). چین همچنین از طریق ابتکار کمربند و راه و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی، ظرفیت اتصال اقتصادی خود با اعضای بریکس و سایر کشورهای جنوب جهانی را افزایش داده است. از منظر مکمل‌سازی ظرفیت‌ها، چین در نقطه اتصال بسیاری از ظرفیت‌های بریکس قرار دارد. این کشور به انرژی روسیه، ایران، عربستان سعودی و امارات و به مواد غذایی و منابع طبیعی برزیل و آفریقا نیاز دارد و در مقابل می‌تواند بازار بزرگی برای محصولات این کشورها و منبع سرمایه، فناوری و کالاهای صنعتی باشد. به همین دلیل، چین را می‌توان مرکز تولید، بازار و سرمایه در شبکه مکمل ظرفیت‌های بریکس دانست؛ هرچند وزن بالای چین، نگرانی‌هایی درباره عدم توازن اقتصادی درون بریکس نیز ایجاد می‌کند (Stuenkel, 2016; BRICS, 2024).

۵-۳. آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی مهم‌ترین عضو بریکس در جنوب قاره آفریقا و یکی از اقتصادهای صنعتی این قاره است. این کشور دارای ذخایر مهم طلا، پلاتین، کروم، منگنز و سایر مواد معدنی راهبردی است و بخش معدن در اقتصاد آن اهمیت زیادی دارد. همچنین توسعه صنایع، خدمات مالی و زیرساخت‌های بندری، ظرفیت این کشور را برای ایفای نقش در اقتصاد منطقه‌ای آفریقا افزایش داده است (World Bank, 2025; USGS, 2025).

عضویت آفریقای جنوبی در بریکس از نظر جغرافیایی نیز اهمیت دارد؛ زیرا امکان دسترسی این سازوکار به بازارهای جنوب و شرق آفریقا را افزایش می‌دهد. در شبکه مکمل ظرفیت‌ها، آفریقای

جنوبی می‌تواند تأمین‌کننده مواد معدنی و حلقه اتصال بریکس با اقتصادهای آفریقایی باشد. این نقش با گسترش حضور بریکس در آفریقا و پیوند آن با کشورهای جنوب جهانی اهمیت بیشتری یافته است. (BRICS, 2023; BRICS, 2024)

۳-۶. ایران

ایران از نظر منابع انرژی، موقعیت جغرافیایی و ظرفیت ترانزیتی یکی از اعضای راهبردی بریکس است. برخورداری از ذخایر گسترده نفت و گاز، قرارگرفتن در مجاورت خلیج فارس و دریای عمان و دسترسی همزمان به آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه و شبه‌قاره هند، ظرفیتهایی را ایجاد کرده است که می‌تواند در شبکه اقتصادی بریکس مورد استفاده قرار گیرد. (EIA, 2024; World Bank, 2025) ایران همچنین دارای بازار داخلی قابل توجه و ظرفیتهایی در صنایع پتروشیمی، معدنی و تولیدی است. مهم‌ترین مزیت ایران در چارچوب «شبکه مکمل ظرفیتهای» امکان اتصال انرژی و ترانزیت است. ایران می‌تواند از یک سو انرژی مورد نیاز اقتصادهای بزرگ بریکس را تأمین کند و از سوی دیگر به‌عنوان مسیر ارتباطی هند با روسیه و آسیای مرکزی عمل کند. کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال - جنوب، بنادر جنوبی و موقعیت ایران در مسیرهای شرق - غرب می‌توانند این نقش را تقویت کنند. از این منظر، عضویت ایران زمانی به مزیت اقتصادی تبدیل می‌شود که از سطح عضویت سیاسی فراتر رفته و به قراردادهای انرژی، سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت و تجارت تبدیل شود (مرزبانی و پلونده، ۱۳۹۹؛ سیاره و همکاران، ۱۴۰۵).

۳-۷. مصر

مصر از مهم‌ترین اعضای بریکس در حوزه ترانزیت، خدمات و بازار آفریقا و خاورمیانه است. مهم‌ترین مزیت ژئوپلیتیکی این کشور، قرارگرفتن کانال سوئز در قلمرو آن است؛ مسیری که یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های تجارت دریایی جهان به شمار می‌رود. علاوه بر این، مصر دارای بازار داخلی بزرگ، ظرفیت گردشگری، صنایع متنوع و منابع نفت و گاز است. (World Bank, 2025; IEA, 2024) در شبکه مکمل ظرفیتهای بریکس، مصر می‌تواند حلقه اتصال آسیا، آفریقا، اروپا و خاورمیانه باشد. موقعیت کانال سوئز در کنار ظرفیت بنادر و بازار داخلی مصر، این کشور را به شریک مهمی برای تجارت میان اعضای بریکس تبدیل می‌کند. حضور همزمان مصر و ایران در بریکس نیز می‌تواند

از منظر اتصال مسیرهای دریایی و زمینی آسیا به آفریقا اهمیت داشته باشد؛ هرچند تحقق این ظرفیت به توسعه زیرساخت‌ها و همکاری‌های عملی وابسته است. (BRICS, 2024)

۸-۳. اتیوپی

اتیوپی یکی از مهم‌ترین اقتصادهای نوظهور آفریقا و کشوری با بازار جمعیتی قابل توجه است. این کشور به واسطه موقعیت جغرافیایی خود در شرق آفریقا، نیروی کار گسترده، ظرفیت‌های کشاورزی و تلاش برای توسعه صنعتی، ظرفیت بالقوه‌ای برای گسترش همکاری‌های اقتصادی با سایر اعضای بریکس دارد. (World Bank, 2025) اقتصاد اتیوپی همچنان با محدودیت‌های زیرساختی و مالی مواجه است، اما ظرفیت رشد بازار داخلی و جایگاه آن در شرق آفریقا اهمیت آن را افزایش می‌دهد. از منظر شبکه مکمل ظرفیت‌ها، اتیوپی می‌تواند یکی از حلقه‌های ورود بریکس به بازارهای شرق آفریقا باشد. این کشور در کنار آفریقای جنوبی و مصر، دامنه جغرافیایی حضور بریکس در قاره آفریقا را گسترش داده و امکان همکاری در کشاورزی، زیرساخت، انرژی و صنعت را افزایش می‌دهد. بنابراین، نقش اتیوپی بیشتر از آنکه بر وزن اقتصادی فعلی آن استوار باشد، به ظرفیت بازار، موقعیت منطقه‌ای و امکان توسعه آینده مربوط است. (BRICS, 2024; World Bank, 2025)

۹-۳. عربستان سعودی

عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت جهان و یکی از بازیگران اصلی بازار انرژی است. این کشور علاوه بر ذخایر گسترده نفت و گاز، در سال‌های اخیر سیاست متنوع‌سازی اقتصاد، توسعه زیرساخت، سرمایه‌گذاری و تقویت صنایع غیرنفتی را دنبال کرده است. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان نیز ظرفیت قابل توجهی برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ایجاد کرده است. (IEA, 2025; IMF, 2025)

در شبکه بریکس، عربستان می‌تواند نقش مهمی در پیوند انرژی و سرمایه ایفا کند. حضور همزمان عربستان، روسیه، ایران و امارات در بریکس، بخش قابل توجهی از ظرفیت انرژی جهان را در این سازوکار گرد آورده است. از سوی دیگر، منابع مالی و ظرفیت سرمایه‌گذاری عربستان می‌تواند در پروژه‌های زیرساختی، انرژی و صنعتی سایر اعضا مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، رقابت‌های منطقه‌ای و تفاوت منافع میان تولیدکنندگان انرژی نشان می‌دهد که این ظرفیت الزاماً به همکاری کامل منجر نمی‌شود. (BRICS, 2024; IMF, 2025)

۱۰-۳. امارات متحده عربی

امارات متحده عربی یکی از مهم‌ترین مراکز مالی، تجاری و لجستیکی جهان و یکی از اعضای مهم بریکس در حوزه خدمات، سرمایه و حمل‌ونقل است. موقعیت جغرافیایی این کشور در خلیج فارس، همراه با بنادر و زیرساخت‌های لجستیکی پیشرفته، آن را به یکی از مراکز اصلی تجارت میان آسیا، اروپا و آفریقا تبدیل کرده است. علاوه بر این، امارات دارای ظرفیت مهمی در انرژی، خدمات مالی، گردشگری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. (World Bank, 2025; IMF, 2025)

امارات در شبکه مکمل ظرفیت‌های بریکس می‌تواند نقش مرکز مالی و لجستیکی را ایفا کند. اتصال منابع انرژی خلیج فارس به بازارهای آسیایی و پیوند بنادر امارات با زنجیره‌های تأمین جهانی، جایگاه آن را در شبکه اقتصادی بریکس افزایش می‌دهد. همچنین ظرفیت‌های مالی این کشور می‌تواند در تأمین مالی پروژه‌های مشترک مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، امارات در کنار عربستان سعودی و ایران، یکی از سه حلقه مهم خلیج فارس در شبکه انرژی، تجارت و سرمایه بریکس است.

۱۱-۳. اندونزی

اندونزی بزرگ‌ترین اقتصاد جنوب شرق آسیا و یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان است. این کشور از بازار داخلی گسترده، منابع طبیعی فراوان، ظرفیت صنعتی رو به رشد و ذخایر مهم زغال سنگ، نیکل و سایر مواد معدنی برخوردار است. اهمیت اندونزی در اقتصاد جهانی به‌ویژه در حوزه مواد معدنی مورد استفاده در صنایع نوین و زنجیره‌های ارزش فناوری در حال افزایش است. (World Bank, 2025; IEA, 2024).

ورود اندونزی به بریکس در ژانویه ۲۰۲۵ دامنه جغرافیایی این سازوکار را به جنوب شرق آسیا گسترش داد. این کشور می‌تواند میان بریکس و بازارهای آسیا-آسه‌آن نقش ارتباطی ایفا کند و از ظرفیت‌های خود در مواد معدنی، تولید و بازار مصرف برای تکمیل شبکه بریکس استفاده نماید. در نتیجه، اندونزی می‌تواند حلقه‌ای مهم در پیوند بازار آسیایی، مواد معدنی، تولید و زنجیره‌های تأمین باشد و حضور بریکس در آسیا را تقویت کند. (BRICS, 2025)

بررسی یازده عضو نشان می‌دهد که بریکس پلاس را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از اقتصادهای بزرگ دانست. منطق اصلی قدرت آن در ترکیب ظرفیت‌های متفاوت است. برزیل در امنیت غذایی و منابع طبیعی، روسیه و کشورهای خلیج فارس در انرژی، چین و هند در تولید و بازار، آفریقای جنوبی

و اتیوپی در اتصال آفریقا، مصر و ایران در ترانزیت، امارات در خدمات مالی و لجستیک و اندونزی در بازار و مواد معدنی دارای ظرفیت‌های مکمل هستند.

از این منظر، می‌توان ساختار ظرفیت‌های بریکس را به شکل زیر خلاصه کرد:

کارکرد در شبکه	اعضای دارای ظرفیت برجسته	حوزه
ایجاد ظرفیت تولید و زنجیره ارزش	چین، هند، برزیل، روسیه	تولید و صنعت
ایجاد تقاضای گسترده	چین، هند، اندونزی، برزیل، روسیه	بازار مصرف
امنیت و تجارت انرژی	روسیه، ایران، عربستان، امارات	نفت و گاز
امنیت غذایی	برزیل، روسیه، هند	کشاورزی و غذا
تأمین مواد اولیه	برزیل، روسیه، آفریقای جنوبی، اندونزی	مواد معدنی
نوآوری و انتقال فناوری	چین، هند، روسیه	فناوری
اتصال جغرافیایی شبکه	ایران، مصر، امارات، روسیه	ترانزیت
تأمین مالی و سرمایه‌گذاری	چین، هند، عربستان، امارات	سرمایه و مالی
گسترش بازارهای آفریقای	آفریقای جنوبی، مصر، اتیوپی	اتصال آفریقا
پیوند شرق، جنوب و جنوب‌شرق آسیا	چین، هند، ایران، اندونزی	اتصال آسیا

۴. بریکس یازده‌عضوی و بازآرایی اقتصاد سیاسی جهانی

گسترش بریکس باعث شده است این گروه از نظر جغرافیایی و اقتصادی دامنه بسیار گسترده‌تری پیدا کند. اجلاس ژوهانسبورگ در سال ۲۰۲۳ تصمیم به گسترش بریکس گرفت و پنج عضو جدید -- ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر و اتیوپی -- از سال ۲۰۲۴ وارد ساختار جدید شدند. اندونزی نیز در ژانویه ۲۰۲۵ به عضویت کامل درآمد و تعداد اعضای بریکس به یازده کشور رسید. (BRICS, 2025)

این گسترش از منظر اقتصادی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اعضای جدید فقط بر تعداد کشورهای عضو نیفزوده‌اند، بلکه کارکردهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی جدیدی به شبکه بریکس اضافه کرده‌اند. چین مرکز مهم تولید، صادرات صنعتی، فناوری و سرمایه است؛ هند در بازار مصرف، خدمات و فناوری اطلاعات ظرفیت برجسته‌ای دارد؛ برزیل در کشاورزی و منابع طبیعی دارای مزیت است؛ روسیه،

ایران، عربستان سعودی و امارات ظرفیت‌های انرژی را تقویت می‌کنند؛ مصر و ایران موقعیت‌های مهم ترانزیتی دارند و اندونزی دامنه حضور بریکس را در جنوب شرق آسیا افزایش داده است. بنابراین، قدرت بریکس را می‌توان حاصل ترکیب سه سطح دانست: وزن اقتصادی + تنوع ظرفیت‌ها + قابلیت اتصال ظرفیت‌ها.

در این چارچوب، مزیت بریکس صرفاً حاصل مجموع GDP اعضا نیست. اهمیت آن در این است که یک بازار بزرگ تولیدکننده و مصرف‌کننده را با منابع انرژی، منابع معدنی، مسیرهای ترانزیتی و مراکز مالی پیوند می‌دهد. این مسئله می‌تواند ظرفیت چانه‌زنی کشورهای عضو را در برخی حوزه‌های اقتصاد جهانی افزایش دهد. (Armijo & Roberts, 2014; Stuenkel, 2016)

اسناد رسمی بریکس نیز بر تقویت همکاری در تجارت، انرژی، زنجیره‌های تأمین، فناوری، زیرساخت و نظام‌های مالی تأکید دارند. در بیانیه وزیران خارجه بریکس در سال ۲۰۲۴، همکاری انرژی، افزایش تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین و بررسی ارزش‌های محلی، ابزارهای پرداخت و پلتفرم‌های پرداخت مورد تأکید قرار گرفت. (BRICS, 2024)

از این منظر، بریکس می‌تواند در سه حوزه اصلی بر اقتصاد سیاسی جهانی اثرگذار باشد: نخست، افزایش قدرت چانه‌زنی کشورهای جنوب جهانی؛ دوم، ایجاد و تقویت مسیرهای تجاری و مالی جایگزین؛ و سوم، توسعه همکاری‌های اقتصادی، فناورانه و انرژی میان اعضا. با این حال، افزایش وزن اقتصادی بریکس به معنای شکل‌گیری یک بلوک اقتصادی یکپارچه نیست. بریکس فاقد معاهده تأسیسی، بودجه مستقل و دبیرخانه دائمی است و ریاست آن به صورت دوره‌ای میان اعضا گردش می‌کند. (BRICS, 2025)

بنابراین، بهتر است بریکس را نه یک «اتحادیه اقتصادی»، بلکه یک سازوکار هماهنگی و همکاری چندجانبه دانست. همین ویژگی نهادی سبب می‌شود که این گروه انعطاف‌پذیری بالایی داشته باشد، اما همزمان ظرفیت اجرای تصمیمات الزام‌آور آن محدود باقی بماند.

۵. ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و چشم‌انداز همکاری بریکس

مهم‌ترین ظرفیت بریکس در ترکیب منابع، بازارها و موقعیت‌های جغرافیایی اعضای آن قرار دارد. حضور همزمان تولیدکنندگان بزرگ انرژی، اقتصادهای بزرگ مصرف‌کننده، کشورهای دارای منابع

معدنی و کشاورزی و مراکز مالی و ترانزیتی، امکان شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش مکمل را فراهم می‌کند.

در حوزه انرژی، حضور روسیه، ایران، عربستان سعودی و امارات می‌تواند زمینه همکاری در تولید، پالایش، پتروشیمی، حمل‌ونقل انرژی و سرمایه‌گذاری را فراهم کند. اسناد رسمی بریکس نیز بر تقویت همکاری انرژی و ایجاد زنجیره‌های تأمین مقاوم در حوزه انرژی و مواد معدنی تأکید کرده‌اند (BRICS, 2024).

در حوزه امنیت غذایی، حضور برزیل به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان مهم کشاورزی جهان، در کنار ظرفیت‌های روسیه، هند و سایر اعضا، امکان توسعه همکاری در تولید، تجارت و زنجیره‌های غذایی را افزایش می‌دهد.

در حوزه ترانزیت نیز ترکیب ایران، مصر، امارات و روسیه ظرفیت مهمی ایجاد کرده است. ایران می‌تواند در اتصال هند، خلیج فارس، آسیای مرکزی و روسیه نقش ایفا کند؛ مصر در مسیر کانال سوئز جایگاه ویژه‌ای دارد و امارات نیز یکی از مراکز مهم بندری و لجستیکی جهان است.

در حوزه فناوری نیز چین و هند دارای ظرفیت‌های قابل توجه هستند و دستورکار بریکس در سال‌های اخیر به هوش مصنوعی، تحول دیجیتال، تولید هوشمند و همکاری‌های علمی گسترش یافته است (BRICS, 2025).

اما این ظرفیت‌ها با محدودیت‌هایی نیز مواجه‌اند. نخست، ناهمگونی اقتصادی و سیاسی اعضا است. دوم، رقابت راهبردی چین و هند است. سوم، تفاوت روابط اعضا با آمریکا و اروپا و چهارم، ضعف نهادی بریکس است.

ازاین‌رو، انتظار اینکه بریکس در کوتاه‌مدت به یک بلوک اقتصادی مشابه اتحادیه اروپا تبدیل شود، واقع‌بینانه نیست. مسیر محتمل‌تر، افزایش همکاری‌های موضوعی و شکل‌گیری تدریجی یک شبکه چندمرکزی اقتصادی است (Acharya, 2014; Stuenkel, 2016).

این روند در سال ۲۰۲۶ اهمیت بیشتری پیدا کرده است. ریاست بریکس از اول ژانویه ۲۰۲۶ به هند منتقل شده و چهار محور اصلی ریاست هند عبارت‌اند از تاب‌آوری، نوآوری، همکاری و پایداری (BRICS, 2025; Ministry of External Affairs of India, 2026).

این دستورکار با ایده شبکه مکمل ظرفیت‌ها همخوانی دارد؛ زیرا تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین، نوآوری فناورانه، همکاری اقتصادی و توسعه پایدار، حوزه‌هایی هستند که امکان همکاری میان اعضای متفاوت بریکس در آنها بیشتر است.

۶. جایگاه ایران در بریکس یازده‌عضوی و تحولات ۲۰۲۶

عضویت ایران در بریکس را باید در چارچوب ظرفیت‌های مکمل این شبکه تحلیل کرد. ایران برخلاف برخی اعضا که عمدتاً دارای یک مزیت غالب هستند، همزمان از منابع انرژی، موقعیت ترانزیتی و بازار منطقه‌ای برخوردار است.

از منظر انرژی، ایران در کنار روسیه، عربستان سعودی و امارات یکی از اعضای مهم بریکس در حوزه نفت و گاز محسوب می‌شود. این موقعیت می‌تواند زمینه توسعه همکاری در فروش انرژی، پالایش، پتروشیمی و سرمایه‌گذاری مشترک را فراهم کند.

از منظر ترانزیتی نیز ایران موقعیتی ویژه دارد. قرارگرفتن کشور در مسیر اتصال خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه و هند، ظرفیت آن را برای ایفای نقش در شبکه حمل‌ونقل بریکس افزایش می‌دهد. این ظرفیت در صورتی می‌تواند به مزیت اقتصادی تبدیل شود که زیرساخت‌های ریلی، بندری، گمرکی و لجستیکی کشور توسعه یابد.

از منظر تجاری، بریکس می‌تواند به تنوع‌بخشی بازارهای صادراتی ایران کمک کند. یافته‌های سیاره و همکاران (۱۴۰۵) نشان می‌دهد که مشارکت فعال‌تر ایران در بریکس و کاهش موانع تجاری می‌تواند رفاه اقتصادی و تنوع شرکای تجاری ایران را افزایش دهد. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که برخی بخش‌های تولیدی، از جمله معدن، پلاستیک و ماشین‌آلات، از ظرفیت بالاتری برای بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری برخوردارند.

در حوزه مالی، هدف واقع‌بینانه ایران نباید انتظار ایجاد یک ارز مشترک بریکس باشد، بلکه باید بر تنوع‌بخشی به ابزارهای پرداخت، استفاده از ارزهای ملی، توافق‌های پولی دوجانبه و ایجاد سازوکارهای تسویه تمرکز کند. این رویکرد با دستورکار رسمی بریکس درباره ارزهای ملی، ابزارهای پرداخت و پلتفرم‌های پرداخت نیز همخوان است (BRICS, 2024).

از این منظر، عضویت ایران در بریکس می‌تواند بخشی از راهبرد افزایش تاب‌آوری اقتصادی باشد؛ اما این عضویت به‌تنهایی قادر به حذف آثار تحریم‌ها نیست. تحقق منافع اقتصادی بریکس نیازمند اصلاح زیرساخت‌های داخلی، ثبات مقررات، کاهش هزینه مبادله و تبدیل توافقات سیاسی به پروژه‌های اقتصادی مشخص است.

در سال ۲۰۲۶، انتقال ریاست بریکس به هند اهمیت این موضوع را افزایش داده است. هند ریاست خود را بر چهار محور تاب‌آوری، نوآوری، همکاری و پایداری سازمان داده است (Ministry of External Affairs of India, 2026). از این رو، ایران می‌تواند در چارچوب ریاست هند، همکاری‌های مرتبط با تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین، انرژی، فناوری، ترانزیت و سازوکارهای مالی را پیگیری کند. در نهایت، می‌توان سیاست مطلوب ایران را چنین صورت‌بندی کرد:

عضویت سیاسی ← توافق اقتصادی ← پروژه مشترک ← سازوکار مالی ← زیرساخت اجرایی
← افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری ← افزایش تاب‌آوری اقتصادی.

نتیجه‌گیری

گسترش بریکس به یازده عضو، این گروه را از یک سازوکار محدود میان اقتصادهای نوظهور به شبکه‌ای گسترده‌تر از ظرفیت‌های اقتصادی، انرژی، مالی، فناوری و ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که قدرت بالقوه بریکس را نمی‌توان صرفاً از طریق اندازه اقتصاد اعضا توضیح داد؛ بلکه مکمل بودن ظرفیت‌های اعضا عنصر اساسی قدرت آن محسوب می‌شود. چین و هند ظرفیت تولید، بازار و فناوری را تقویت می‌کنند؛ روسیه، ایران، عربستان سعودی و امارات ظرفیت انرژی را افزایش می‌دهند؛ برزیل در امنیت غذایی و منابع طبیعی اهمیت دارد؛ مصر، ایران و امارات ظرفیت‌های ترانزیتی و لجستیکی را تقویت می‌کنند و آفریقای جنوبی، اتیوپی و اندونزی دامنه جغرافیایی شبکه را گسترش می‌دهند.

بنابراین، مفهوم "شبکه مکمل ظرفیت‌ها" برای تبیین بریکس مناسب‌تر از مفهوم «بلوک اقتصادی یکپارچه» است. بریکس در وضعیت کنونی نه دارای ساختار نهادی یک اتحادیه اقتصادی است و نه منافع اعضای آن کاملاً همسو است. فقدان معاهده تأسیسی، نبود دبیرخانه دائمی، تفاوت ساختارهای

اقتصادی، رقابت چین و هند و تفاوت روابط اعضا با قدرت‌های غربی، محدودیت‌های مهمی برای همگرایی کامل ایجاد می‌کنند.

باین حال، همین ناهمگونی لزوماً به معنای ضعف بریکس نیست. اگر اعضا بتوانند ظرفیت‌های متفاوت خود را در قالب پروژه‌های مشخص به یکدیگر متصل کنند، بریکس می‌تواند به یک شبکه چندمرکزی از همکاری‌های اقتصادی تبدیل شود. حوزه‌های انرژی، تجارت، امنیت غذایی، فناوری، زیرساخت، سرمایه‌گذاری و نظام‌های پرداخت مهم‌ترین زمینه‌های تحقق چنین همکاری‌ای هستند.

انتقال ریاست بریکس به هند در سال ۲۰۲۶ و تأکید آن بر تاب‌آوری، نوآوری، همکاری و پایداری نیز نشان می‌دهد که دستورکار بریکس در حال حرکت به سمت موضوعاتی است که مستقیماً با ظرفیت‌سازی اقتصادی و افزایش تاب‌آوری اعضا ارتباط دارد.

در مورد ایران، یافته پژوهش نشان می‌دهد که عضویت در بریکس زمانی می‌تواند به مزیت اقتصادی تبدیل شود که کشور بتواند انرژی، ترانزیت و بازار منطقه‌ای خود را به ظرفیت‌های سایر اعضا متصل کند. بنابراین، راهبرد ایران نباید صرفاً «عضویت در بریکس» باشد، بلکه باید «بهره‌برداری پروژه‌محور از عضویت در بریکس» باشد.

در این چارچوب، توسعه کربدورهای ترانزیتی، قراردادهای انرژی، همکاری پالایشی و پتروشیمی، افزایش تجارت با ارزهای ملی، توسعه سازوکارهای پرداخت، جذب سرمایه‌گذاری و تنوع‌بخشی بازارهای صادراتی می‌تواند مهم‌ترین مسیرهای تبدیل عضویت سیاسی به دستاورد اقتصادی باشد.

بر این اساس، پاسخ پژوهش به سؤال اصلی آن است که بریکس پلاس نه در مسیر تبدیل شدن سریع به یک بلوک اقتصادی یکپارچه، بلکه در مسیر شکل‌گیری شبکه‌ای چندمرکزی از ظرفیت‌های مکمل اقتصادی و سیاسی قرار دارد. اهمیت این شبکه برای ایران نیز بیش از آنکه در حذف کامل محدودیت‌های خارجی باشد، در افزایش گزینه‌های اقتصادی، تنوع‌بخشی شرکای تجاری و مالی و تقویت تاب‌آوری اقتصاد ملی قرار دارد.

فهرست منابع

- سنایی، مهدی، و ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۹۲). سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس): اهداف، توانمندی‌ها و جایگاه آن در نظام بین‌المللی، مطالعات جهان، ۱(۳)، ۴۰-۱.
- سیاره، مرتضی، دهقان شبانی، زهرا، اسلام‌لوئیان، کریم، و کیانی مقدم، منصور (۱۴۰۵). آثار رفاهی عضویت ایران در بریکس: رهیافت شبیه‌سازی جهانی (GSIM)، مطالعات کشورها، ۴(۲)، ۲۲۹-۲۷۱.
- صادقی، سجاد (۱۴۰۳). نگاه ایرانی به بریکس و تحولات نظام بین‌الملل، مطالعات کشورها، ۲(۲)، ۲۴۸-۲۲۱.
- مرزبانی، فروزان، و پلونده، حسین (۱۳۹۹). چشم‌انداز عضویت ایران در بریکس و تحلیل ظرفیت‌های آن در آینده مناسبات دو طرف، پژوهش ملل، ۶(۶۱)، ۷-۲۹.
- موسوی‌زاده، رضا و خسروی، بهنام (۱۳۹۴). بریکس و نهادسازی بین‌المللی، سیاست خارجی، سال ۲۹(۱۱۶)، ۱۱۱-۱۴۵.

- Acharya, A. (2014). The end of American world order. Polity Press.
- African Development Bank. (2025). African economic outlook 2025. Abidjan: African Development Bank.
- Armijo, L. E., & Roberts, C. A. (2014). The emerging powers and global governance: Why the BRICS matter. Asian Perspective, 38(3), 357-380.
- BRICS. (2023). Johannesburg II Declaration. BRICS.
- BRICS. (2024a). BRICS official documents. BRICS.
- BRICS. (2024b). Joint Statement of the BRICS Ministers of Foreign Affairs/International Relations. BRICS.
- BRICS. (2025a). About the BRICS. BRICS.
- BRICS. (2025b). Areas of Cooperation. BRICS.
- BRICS. (2025c). Brazil announces Indonesia as full member of BRICS. BRICS.
- BRICS. (2025d). Brazil hands over BRICS Presidency to India. BRICS.
- BRICS. (2025e). BRICS Data. BRICS.
- BRICS. (2025f). Frequently Asked Questions about the BRICS. BRICS.
- BRICS. (2025g). Indonesia becomes a full member of BRICS. BRICS.
- BRICS. (2025h). Rio de Janeiro Declaration. BRICS.
- Energy Institute. (2025). Statistical review of world energy 2025. London: Energy Institute.
- Hurrell, A. (2006). Hegemony, liberalism and global order: What space for would-be great powers? International Affairs, 82(1), 1-19.
- International Energy Agency. (2024). Iran. Paris: IEA.
- International Energy Agency. (2025a). Egypt. Paris: IEA.
- International Energy Agency. (2025b). Indonesia. Paris: IEA.

- International Energy Agency. (2025c). World energy statistics. Paris: IEA.
- International Monetary Fund. (2025a). Egypt: Country data. Washington, DC: IMF.
- International Monetary Fund. (2025b). Islamic Republic of Iran: Country data. Washington, DC: IMF.
- International Monetary Fund. (2025c). Saudi Arabia: Country data. Washington, DC: IMF.
- International Monetary Fund. (2025d). United Arab Emirates: Country data. Washington, DC: IMF.
- International Monetary Fund. (2025e). World economic outlook database. Washington, DC: IMF.
- Ikenberry, G. J. (2011). Liberal Leviathan: The origins, crisis, and transformation of the American world order. Princeton University Press.
- Ministry of External Affairs, Government of India. (2026). BRICS 2026. New Delhi: Government of India.
- Ministry of External Affairs, Government of India. (2026). BRICS@20: Building for Resilience, Innovation, Cooperation and Sustainability. New Delhi: Government of India.
- Narlikar, A. (2010). New powers: How to become one and how to manage them. Columbia University Press.
- O'Neill, J. (2001). Building better global economic BRICs. Goldman Sachs Global Economics Paper No. 66.
- Saudi Public Investment Fund. (2025). Annual report 2024. Riyadh: PIF.
- Stuenkel, O. (2016). The BRICS and the future of global order. Lexington Books.
- United Nations Conference on Trade and Development. (2025a). Review of maritime transport 2025. Geneva: United Nations.
- United Nations Conference on Trade and Development. (2025b). UNCTADstat data centre. Geneva: United Nations.
- United States Geological Survey. (2025). Mineral commodity summaries 2025. Reston, VA: USGS.
- World Bank. (2025a). Brazil: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025b). China: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025c). Egypt, Arab Republic: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025d). Ethiopia: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025e). India: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025f). Indonesia: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025g). Iran, Islamic Republic: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025h). Russian Federation: Overview. Washington, DC: World Bank.

- World Bank. (2025i). Saudi Arabia: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025j). South Africa: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025k). United Arab Emirates: Overview. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2025l). World development indicators. Washington, DC: World Bank.
- World Trade Organization. (2025). World trade statistics 2025. Geneva: WTO.